

کیهان

در بخش‌های گذشته این نوشتار در باره اهمیت و جایگاه نهضت حسینی؛ اهداف و زمینه‌های پیدایش آن، درس‌ها و دستاوردها و عبرت‌های قیام عاشورا و تأثیر نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی و نقش انقلاب اسلامی در تبیین و گسترش فرهنگ حسینی سخن گفته شد. در ادامه مباحث پیشین، مسئلهٔ اندیشه‌ها و تحریفات در نهضت حسینی مورد بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تحریفات و خرافات در نهضت امام حسین(ع) و ضرورت بالایی آن

به همان مقدار که تفسیر صحیح از نهضت حسینی سازنده، حیات‌بخش و حرکت‌آفرین است، تحریفات، انحرافات و خرافات، برداشت‌های نادرست و منحرف کردن آن از مسیر واقعی می‌تواند آسیب‌زا باشد. از سوی دیگر، وجود برخی تحریفات، انحرافات و خرافات در تاریخ و فرهنگ نهضت حسینی امری مسلم است (ایشالله خامنه‌ای، ۶۸/۵/۱)، وقوع این تحریفات پیرامون این پدیده مقدس، آن‌گاه غیرافزاست که بدنبانِ اصل قیام و نهضت حسینی برای جلوگیری از یک تحریف معنوی بزرگ و زدون تحریفات به‌وجود آمده در مکتب اسلام است، یعنی پدیده‌ای که فلسفه وجودی‌اش تحریف‌زدایی از اسلام بوده، اینک خود گرفتار تحریفات عیدیه‌ای شده‌است. (ایشالله خامنه‌ای، ۷۵/۹/۲۴)

بر همین اساس، پرداختن به آنها و پیرایه‌زدایی از نهضت حسینی، اولین و مهم‌ترین شرط بهره‌وری از آن است. گفتنی است این پیرایه‌ها دو نوع هستند: برخی از آنها دروغ و خلاف نقل مسلم است و نیز مناسب شأن و لایق مفهوم و معنای این نهضت حسینی نیست. اینها را بایستی شناخت و جدا کرد. برخی دیگر اما در حد این

نهضت حسینی،پدیده‌ای چندبعدی و چندماهیتی است. بدیهی است اکتفا به هر کدام از ماهیت مختلف این نهضت، بدون توجه به موارد دیگر، زمینه انحراف و تحریف در تبیین نهضت حسینی را به دنبال دارد. امام خمینی در تفسیر معارف دینی عموماً و تبیین فلسفه نهضت حسینی خصوصاً، تک‌بعدی‌نگری را یکی از عوامل اصلی تحریف و انحراف می‌داند.

نیست، از قبیل زبان حال‌گویی معقول و طبیعی، که پرداختن به آنها در حد ضرورت پرداختن به قسم اول نیست. (همان)
در تبیین دیگر، تحریفات پیرامون نهضت حسینی دو قسم است: تحریف معنوی و تحریف لفظی. تحریف لفظی آن است که ظاهراً یک چیز یا لفظ آن را عوض می‌کنند و تحریف معنوی یعنی «منحرف کردن روح و معنی یک جمله یا یک حادثه». در نهضت حسینی، این هر دو تحریف واقع شده است، اما آنچه آسیب بیشتری دارد، تحریف معنوی است. در واقع آنچه سبب می‌شود که این حادثه غظیم از اثر و خاصیت بیفتد، تحریف معنوی است، گرچه نباید از تحریف لفظی نیز غفلت نمود. (مطهری، حماسه حسینی، ج۱، ص ۹۰)

از جمله تحریفات معنوی در نهضت حسینی عدم تبیین صحیح فلسفه آن و به بیان دیگر تبیین غلط فلسفه نهضت حسینی است که از رهگذر آن اسباب‌های متعددی به ساحت فرهنگ عاشورا و نهضت حسینی وارد می‌شود. این تحریف معنوی زمینه‌ساز بسیاری از تحریف‌های لفظی نیز قرار گرفته است. بر این اساس فلسفه‌تراشی‌های بی‌بنیاد وبی‌مایا پیرامون نهضت حسینی ره‌لورِ عدم تبیین صحیح فلسفه نهضت حسینی‌است. (مطهری، حماسه حسینی، ج۱، ص ۷۶-۷۷؛ رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج۲، ص ۷-۸)

دعاهم‌ترین و اساسی‌ترین ابزاری است که انسان می‌تواند با آن خدا بخواهد تا عنایتی به وی کرده و مقدرات در ام‌الکتاب را تبدیل نماید و سرنوشت شقاوت دوزخی او را به سعادت‌مندی بهشتی بدل کند. اجابت دعا شرایط و آدابی دارد که توجه و عنایت به آنها می‌تواند در استجابت دعا بسیار موثر و کارساز باشد. نویسنده در این مطلب دربارهٔ ابواب دعا و تضرع در تغییر سرنوشت و نقش دعای دسته جمعی در اجابت دعا و تأثیر آن سخن گفته است.

استعانت از خدا و تضرع

قرآن می‌فرماید اگر دعا و درخواست مردم به پیشگاه خدا نبود، خدا هیچ اعتنایی به آنان نمی‌کرد و هیچ تغییر و تبدیل وضعیتی نمی‌داد (قرآن، آیه ۷۷)، با آنکه خدا رحمان و رحیم است و اصولاً خلقت خدا بر اساس رحمت الهی است. (هود، آیه ۱۱۹)

خدای رحمان خلقت را بر اساس رحمت انجام داده تا این‌گونه بر مخلوقات خویش رحم آورد؛بنابر این، هرگز شقاوت و رنج مخلوقی را نمی‌پسندد. پس اگر شقاوتی برای کسی رقم می‌خورد، به سبب ظلم شخص به خویشش است؛ زیرا خدا هدایت باطنی – فطری را برای هر مخلوقی قرار داده تا او را به کمال بایستاش برساند(طه، آیه ۵۰). بنابرین، همه مخلوقات بر اساس همین برنامه فطری به سوی کمال خویش می‌روند؛بی آنکه شقاوتی را تحمل کنند.

انسان و جن به دلیل جایگاه عالی و برتری‌شان بر فرشتگان و مخلوقات دیگر، دارای اراده و حق انتخابی آزاد و مختار هستند در باید در جایگاهی قرار گیرند که برتر از همه آفریده‌ها است. این برتری نیازمند ایجاد شرایطی خاص است که از جمله مهم‌ترین آنها اراده است که به آن اتان این امکان را می‌دهد تا میان بالا و پست و صعود و سقوط یا به تعبیر دیگر، ایمان و کفر، سعادت و شقاوت و شر و کفران یکی را انتخاب کنند.

با آنکه برای انس و جن نیز هدایت فطری تکوینی قرار داده شده تا حق و مصادیق آن را بشناسند و بدان گرایش یابند؛ اما این امکان ارادی حق انتخاب نیز داده شده که سبب‌سگزار باشند یا کفران نعمت کنند. (نسان، آیه ۳) و به انتخاب خویش سعادتمند یا یا شقی شوند. بنابرین، خدای رحمان با رحمت خویش حتی برای انسان و جن، تقدیر کلی و اصلی را سعادت قرار داده و ابزار باطنی و تکوینی با برنامه دقیق کامل را در اختیار آنان گذاشته است؛ اما انسان به انتخاب ارادی و اختیاری خویش می‌تواند با ظلم به خویشش و کفر و کفران به جای سعادت و شرک و ایمان، به شقاوت بیفتد؛مکتف بر اینست که انسان در دنیا مورد ابتلاات گوناگون از خیر و شر قرار گیرد(انبیاء، آیه ۲۵، بقره، آیه ۱۵)، ولی این هرگز به معنای شقاوت نیست؛ بلکه مصیبتی است که می‌آید و می‌رود تا جایی که اگر در مصیبت‌ها صبر پیشه کند، بر ظهور کمالات و ارزش

از جمله فلسفه‌تراشی‌های غلط در این زمینه، فلسفه‌ای است که برخی از غلات و غلو پیشگان ساخته و پرداخته‌اند. این گروه با نسبت دادن نگرش‌های لاهوتی نسبت به نهضت حسینی، تفسیری فرآ انسانی و غیر واقع‌گرایانه از این نهضت ارائه داده و آن را از فلسفه وجودی و ظرفیت به‌رهوری و الگوبرداری تهی می‌کنند. این گروه با تشسیه امام(ع) به حضرت عیسی(ع)، معتقدن‌اند آن حضرت کشته نشد و حق تعالی شباهت او را بر حنظله بن اسعد شامی افکند و آن حضرت را همچون عیسی به آسمان بالا بردا (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۱).

در لسان اهل‌بیت(ع) این دسته مورد لعن و نفرین قرار گرفته و به کفر نسبت داده شده‌اند (همان). این منطق همان چیزی است‌ که امروزه نیز بر سر زبان برخی قرار

وقتی این صفحه تاریک مطالعه شود فقط ظلم است، جنایت است و رثاء بشریت، که هیچ چیز غیر از گریه، زاری و مریثه را نمی‌طلبد. اما اگر صفحه مقابل مطالعه شود قهرمان این صفحه نورانی حسین(ع) است و اهل‌بیت و اصحاب او. این صفحه دیگر جنایت و تراژدی نیست، بلکه حماسه است، افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت، انسانیت و حق پرستی است. البته هر دو صفحه این واقعه یا بی‌تظیر است یا کم‌تظیر و باید به هر دو آنها پرداخت و آن را مورد تجزیه و تحلیل عبرت آموز قرار داد، اما متأسفانه صفحه سفید و نورانی این واقعه کمتر مورد توجه و مطالعه است، در حالی که جنبه حماسی این داستان صد برابر بر جنبه جنایی آن می‌چرید و نورانیت این حادثه بر تاریکی آن غلبه دارد (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۱)؛ همچنین:

بررسی ابعاد نهضت امام حسین(ع) از منظر اندیشمندان انقلاب اسلامی

آسیب‌ها و تحریفات در نهضت حسینی(ع)

ن.ک. آیتالله خامنه‌ای، (۱۳۶۱/۱۳/۱)، آسیب غفلت از صفحه نورانی این حادثه، عدم استفاده صحیح از صفحه تاریک آن و در نتیجه تحریف واقعه است. به بیان دیگر، اگر ما صفحه نورانی تاریخ حسینی را خواندیم آن وقت از جنبه رئالی‌اش می‌توانیم استفاده کنیم و گرته بپهوه‌است (مطهری، همان). تعدد و چندگانگی علل وقوع نهضت حسینی و عدم تفکیک این علل از یکدیگر و گاهی خلط آنها با یکدیگر و در نهایت به نتیجه نرسیدن، یکی دیگر از زمینه‌ها تفسیرهای متضاد و تحریف واقعه به شمار می‌رود. ن.ک. مطهری، حماسه حسینی، ج۲، ص ۱۱۳)

همچنین تحریفات لفظی متعددی پیرامون نهضت حسینی وجود دارد از جمله: دانستن لیلی و علی اکبر، داستان عروسی قاسم، دانستن آب آوردن حضرت ابوالفضل در کودکی برای امام‌حسین، آمدن زینب در حین احتضار گنازدایی کنند و آن را زمینه‌ای برای گنهگار سازی در آورد که هر گناهی را توجیه می‌کند. ن.ک. مطهری، همان، ص ۹۰) تک‌بعدی‌نگری یکی دیگر از تحریفات و آسیب‌های پیرامون نهضت حسینی است. چنان‌که که در بخش ماهیت نهضت حسینی اشاره شد، نهضت حسینی، پدیده‌ای چند بعدی و

چند ماهیتی است.

بدیهی است اکتفا به هر کدام از ماهیت مختلف این نهضت، بدون توجه به موارد دیگر، زمینه انحراف و تحریف در تبیین نهضت حسینی را به دنبال دارد. امام خمینی در تفسیر معارف دینی عموماً و تبیین فلسفه نهضت حسینی خصوصاً، تک‌بعدی‌نگری را یکی از عوامل اصلی تحریف و انحراف می‌داند. (ن.ک. صحیفه امام، ج۸، ص ۵۲۹) شاید یکی از جدی‌ترین عوامل در این زمینه اکتفا به برخورد احساسی – عاطفی صرف و دوری گزیدن از برخورد عقلانی با مسئله نهضت حسینی باشد. این مسئله، سبب بروز تحریف وسیع لفظی و معنوی است که اندیشه اصیل عاشورایی و حسینی را به پژمردگی می‌کشاند. ن.ک. رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج۲، ص ۷۶-۸۰؛ مطهری، حماسه حسینی، ج۱، صص ۴۱ و ۴۶ و ۲۸۶)
نشانه بارز اکتفا به جنبه عاطفی و غفلت از جنبه عقلانی، اکتفا به صفحه تاریک واقعه عاشورا و غفلت از صفحه سفید آن است. حادثه عاشورا و تاریخچه آن، دو صفحه دارد؛ یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک، سیاه و ظلمانی. در نگاه دوم، قهرمان حادثه نیزذید بن معاویه، عبیدالله بن زیاد، عمر سعد، شمر و امثال اینها است.

بی‌خبر بودن امام سجّاد(ع) از وقایع، افسانه اسب آوردن زینب زری اباعبیدالله و بوسیدن گلوگاه آن حضرت، بی‌تفاوتی شدن امام‌سجّاد(ع) و امام صادق(ع)، (مطهری، مجموعه آثار، ج۱۷، ص ۶۰۶) این تحریفات و آسیب‌ها بالطبع و بالتبع به حوزه عزاداری و فلسفه آن نیز کشیده شده و این حوزه را نیز درگیر تحریف و انحراف کرده است.

آن‌گاه که تفسیری فرآانسانی و لاهوتی از نهضت حسینی ارائه دهیم یسا آن را بر اساس یک دستور خصوصی تحلیل کنیم و ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی آن را ناپسود نماییم، روح حاکم بر عزاداری‌ها نیز روحی

دعای دسته‌جمعی و اهمیت آن

ا | فرشته محیطی |



شناختمان جامع نیست، بلکه محدود و حتی ظنی است و به درجه علم و بقین نمی‌رسد. دعا و صدقه در کائنات بسیار موثر است تا جایی که این امور می‌توان بیماری‌های سخت درمان یب از درمان را علاج کرد؛ زیرا این امور در الکتابت می‌گذازد که فراتر از علل مادی است البته البته اکثریت مردم حتی مومنان با باور به چنین چیزی ندارند یا بسست مستقیم کمال قرار گیرد و به جایگاه خلافت الهی برسد و از گمراهی و غصب و شقاوت برهد.(فاتحه، آیات ۵ تا ۷) خدا ابزارهای برای استعانت قرار داده که نماز و صبر (بقره، آیه ۴۵) از جمله آنها است. همچنین انسان با استعانت از دعا که

معارفMaarefkayhan یا Kayhan.ir

برخی روشنفکر مآب‌ها در اوایل انقلاب تلاش می کردند مسئله عزاداری حسینی را به انزوا بکشانند و با تعبیراتی جذاب همچون ضرورت تفکیک مسائل عاطفی و احساسی از مسائل ایمانی و اعتقادی، این مسئله را مطرح می کردند. اما امام خمینی با ظرافت، آن تصوّر غلط روشنفکر مآبانه قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان جهت گیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهت گیری عاطفی در قضیهٔ عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زائد و تجمّلاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین(ع) و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار، چه به صورت روضه‌خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون، باید به شکل رایج و معسول و گریه‌آور و عاطفه برانگیز و تکان دهنده دل‌ها در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قوی تر هم بشود.

بنیادین عزاداری حسینی، دشمنان انقلاب اسلامی و مکتب تشیع، همیشه در تلاش بوده‌اند تا عزاداری را تعطیل و یا حداقل فرهنگ عزاداری را به انحراف بکشند (صحیفه امام، ج ۱۳، ۳۲۲-۳۲۳، رهبر معظم انقلاب، ۷۳/۵/۱۲)
از آن‌جا که دهه محرم و مراسمات عاشورا باعث از بین بردن تمامی الودگی‌هایی است که در طی سال، توسط جبهه شیطان و دشمنان اسلام ایجاد می‌شود، راه افتادن موکب‌های حسینی مانند بارانی است که پلیدی‌ها و کثافات القا شده را شسته و به پاکی بدل می‌کند. (۷۳/۵/۱۲)
گام دیگر دشمن در مبارزه با مجالس عزای حسینی، آلوده کردن اِردن مراسمات با خرافات و بدعت‌هاست؛بدعت‌هایی از قبیل قمه‌زنی، قفل‌زنی، سینه‌خیز رفتن در حرم‌ها و… (ن.ک. رهبر معظم انقلاب، ۷۳/۵/۱۲)
گاه نیز دشمن، تلاش مذبح‌وحانه‌ای می‌کند تا با سوءاستفاده از ظرفیت مجالس حسینی، به اهداف خود دست پیدا کند. برای نمونه در دوران طاغوت، رضاخان بر اساس برنامه‌ای که از سوی بیگانگان برای او طراحی شده بود، ابتدا به مقدسات اظهار علاقه می‌کرد و مجالس عزاداری به راه می‌انداخت و خود در آنها شرکت می‌کرد، اما آن‌گاه که دید اِین طریق طرفی نمی‌بندد، به مقابله بنیادی و براندازانه با آن پرداخت. (ن.ک. صحیفه اسلام، ج ۱۵، ص ۲۰۸، رهبر معظم انقلاب، ۷۳/۵/۱۲)
ای امروزه شاهدیم که دشمن در تلاش است با جدایی افکندن میان هیئت‌های مذهبی و اندیشه سیاسی اسلام، تفکر سکولاریزم را در میان برخی از آنان گسترش داده و از این طریق، اولا به اختلاف‌فکنی میان خیل مذهبان می‌پردازد و ثانیاً فلسفه وجودی عزاداری حسینی را به چالش و انحراف می‌کشد (ن.ک. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۵۴؛ رهبر معظم انقلاب، ۷۳/۵/۱۲)

برخی روشنفکر مآب‌ها نیز در اوایل انقلاب تلاش می‌کردند مسئله عزاداری حسینی را به انزوا بکشانند و با تعبیراتی جذاب همچون ضرورت تفکیک مسائل عاطفی و احساسی از جمله مسائل مربوط به عاشورا و روضه‌خوانی‌ها و گریه، از مسائل ایمانی و اعتقادی این مسئله را مطرح می‌کردند. اما امام خمینی با ظرافت، آن تصوّر غلط و روشنفکر مآبانه قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان جهت گیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهت گیری عاطفی در قضیهٔ عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زائد و تجمّلاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین(ع) و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار، چه به صورت روضه‌خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون، باید به شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه برانگیز و تکان دهنده دل‌ها در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قوی تر هم شود. (رهبر معظم انقلاب، ۶۸/۵/۱)

نشدن تحریفات، خود مبدع و منشأ تحریف دیگری نیست. این‌گونه در حقیقت برای فرار از تأثیر منفی برخی تحریفات، خود مبدع و منشأ تحریف دیگری می‌گردند مسئله عزاداری حسینی را به انزوا بکشانند و با تعبیراتی جذاب همچون ضرورت تفکیک مسائل عاطفی و احساسی از جمله مسائل مربوط به عاشورا و روضه‌خوانی‌ها و گریه، از مسائل ایمانی و اعتقادی این مسئله را مطرح می‌کردند. اما امام خمینی با ظرافت، آن تصوّر غلط و روشنفکر مآبانه قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان جهت گیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهت گیری عاطفی در قضیهٔ عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زائد و تجمّلاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین(ع) و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار، چه به صورت روضه‌خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون، باید به شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه برانگیز و تکان دهنده دل‌ها در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قوی تر هم شود. (رهبر معظم انقلاب، ۶۸/۵/۱)

نشدن تحریفات، خود مبدع و منشأ تحریف دیگری نیست. این‌گونه در حقیقت برای فرار از تأثیر منفی برخی تحریفات، خود مبدع و منشأ تحریف دیگری می‌گردند مسئله عزاداری حسینی را به انزوا بکشانند و با تعبیراتی جذاب همچون ضرورت تفکیک مسائل عاطفی و احساسی از جمله مسائل مربوط به عاشورا و روضه‌خوانی‌ها و گریه، از مسائل ایمانی و اعتقادی این مسئله را مطرح می‌کردند. اما امام خمینی با ظرافت، آن تصوّر غلط و روشنفکر مآبانه قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان جهت گیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهت گیری عاطفی در قضیهٔ عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زائد و تجمّلاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین(ع) و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار، چه به صورت روضه‌خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون، باید به شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه برانگیز و تکان دهنده دل‌ها در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قوی تر هم شود. (رهبر معظم انقلاب، ۶۸/۵/۱)

نشدن تحریفات، خود مبدع و منشأ تحریف دیگری نیست. این‌گونه در حقیقت برای فرار از تأثیر منفی برخی تحریفات، خود مبدع و منشأ تحریف دیگری می‌گردند مسئله عزاداری حسینی را به انزوا بکشانند و با تعبیراتی جذاب همچون ضرورت تفکیک مسائل عاطفی و احساسی از جمله مسائل مربوط به عاشورا و روضه‌خوانی‌ها و گریه، از مسائل ایمانی و اعتقادی این مسئله را مطرح می‌کردند. اما امام خمینی با ظرافت، آن تصوّر غلط و روشنفکر مآبانه قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان جهت گیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهت گیری عاطفی در قضیهٔ عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زائد و تجمّلاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین(ع) و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار، چه به صورت روضه‌خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون، باید به شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه برانگیز و تکان دهنده دل‌ها در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قوی تر هم شود. (رهبر معظم انقلاب، ۶۸/۵/۱)

مادی نباید به معنای عدم محاسبه امور معنوی از جمله دعا و صدقه و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) باشد. در کائنات اموری هست که نقش و تأثیر به‌سزایی در وضعیت و سرنوشت انسان دارد که یکی از آنها چشم زخم یا سحر است و در زندگی نقش دارد اما خیلی‌ها آن را قبول ندارند یا آن را کم اهمیت جلوه می‌دهند؛ در حالی که حضور شیاطین جنی در زندگی بشر خیلی زیاد است تا جایی که اکثریت مردم به دعوت شیطان به دوزخ می‌روند و دنیا و آخرت خود را تباه می‌کنند. بسیاری از مردم گرفتار انواع ابتلاات هستند که به سبب گناه یا همراهی با شیطان است. برخی از آنان به عنوان اولیای شیطان و حزب او در خدمت هستند. به سخن دیگر، گناه انسان یا یک «ماشالله» گفتن در هنگام دیدن چیزهای زیبا و مفید و شگفت‌انگیز می‌تواند آن را از نابودی نجات دهد، یا کاری را با «ن‌شالله» پیش برده، اما به این دو کلمه کلیدی توجهی نمی‌کند و این‌گونه است که گرفتار بلایا می‌شود و کارها آن طور که محاسبه کرده پیش نمی‌رود. از جمله اموری که باید به آن توجه داشت، مسئله استعاذه و پناهجویی به خدا در همه حال به ویژه هنگام مواجهه با ابتلای خود یا حتی ابتلای دیگران است. از همین رو در آیات قرآن از مومنان خواسته شده تا از شر شیطان رجیم به خدا «استعاذه» بجویند؛غافر، آیه ۵۶؛ فصلت، آیه ۲۶؛ اعراف، آیه ۲۰۰)

دعای دسته جمعی موجب می‌شود تا خدا به حکم «یدالله مع الجماعة؛ دست خدا با جماعت است»، عنایت خاصی به این جمع داشته باشد؛ زیرا تغییرات اساسی زمانی می‌تواند شکل گیرد که جماعت و جمعیت هماهنگ باشد؛ اگر مجموعه افراد سالام در یک جا جمع شوند و از خدا چیزی بخواهند خدا به آنان توجه ویژه‌ای خواهد کرد و نعمت‌هایش را بر آنها ارزانی می‌دارد.

شرایط و آداب استجاب دعا

برای استجاب دعا و تضرع از سوی خدا شرایط و آدابی است که از جمله آنها، استغفار، صدقه، توسل، اخلاص، توبه، اصلاح امر فاسد و مانند آنها است که در قرآن به آنها اشاره شده است. همچنین بیان شده که دعا بهتر است همراه با تضرع و انابه و گریه و زاری باشد. گاه لازم است تا همراه با قرار و اعتراف به گناه و عذرخواهی باشد و گاه لازم است تا نهان باشد و گاه دیگر آشکار.

همچنین بهتر است که دیگران را وسیله قرار داد و آنان را به شفاعت خواست یا التماس دعا؛از دیگران داشت تا آنان بپایند دعا کنند که دعای دیگران در حد افراد مستجاب است.(تعام، آیات ۶۳؛ اعراف، آیات ۲۹ و ۵۵ و ۵۶ و ۱۸۰ و ۲۰۵؛ غافر، آیه ۶۵؛ زمر، آیه ۸)
دعا در نماز بهتر است و در سجده بسیار مطلوب‌تر است؛ زیرا نهایت خشوع و خضوع و نزدیک‌ترین حالت انسان به خدا است. درباره آداب و شرایط دعا بسیار گفته و نوشته شده و چون

صفحه ۷

سه‌شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۲

۲۱ محرم ۱۴۵۵ – شماره ۲۳۲۶۶

چراغ راهزدودن آشفتگی و بلا با دوراندیشی و چاره‌جویی عقلانیقال‌الحسین(ع): «الامین امن، والبری جری، والخالئ خائف، والمسئنی مستوحش، اذا وردت علی‌العاقل لمه، قمم‌بالحزن بالحزم، وقرع‌العقل للالحاث».

امام حسین(ع) فرمود: فرد در‌ستکار آسوده است، بی‌گناه بی‌کاست، خیاکتار ترسان است و بدکار هراسان است. هرگاه آشفتگی و بلا بر عاقلی روی آورد، اندوه خود را با دوراندیشی می‌زداید، و برای چاره‌جویی در خانه عقل را می‌کوبد.^(۱)

۱- نزهت‌النظر و تنبیه‌الخواطر، ص ۸۴

حکایت خوباندل‌ها با امام حسین(ع)اما شمشیرها ضد آن حضرتفرزد شاعر نامی اهل‌البیت(ع) نقل می‌کند: حسین در بازگشت از کوفه با من دیدار کرد و فرمود: ای ایفراس! چه خبر؟ گفتم راست بگویم؟ فرمود: راستی را می‌خواهم. گفتم: دل‌ها با تو‌اند، ولی شمشیرها با بنی‌امیه! و البته باری از جانب خداست. امام حسین(ع) فرمود: می‌بینم که راست می‌گویی. مردم درگان ندیابند و دین بر زلفشان باریده است، تا جایی که درآمد زندگی‌شان، با دین افزایش می‌یابد، بر گرد آن می‌چرخند و چون با سخی‌ها دچار آزمون شدند، دینداران اندک می‌شوند.^(۱)

۱- کشف‌العجم، ج ۲، ص ۲۴۴پرش و پاسخراهکارهای اسلام‌زدایی معاویه(۱)معاویه به حکومتش چه راهکارهایی را برای اسلام‌زدایی و محو آثار اسلام ناب به کار بستند؟پاسخ:سوابق معاویه

معاویه قبل از نهضت امام حسین(ع) مدت بیست سال در شام حکومت کرده بود، خلیفهٔ بنؤ ولی حکومت کرده بود، در آن بیست سال حکومتش در یک وضعی و در بیست سال خلافتش به وضع دیگری واقعا کاری کرد که اسلام را از درون خالی و پوچ کرد، ولی لشکر کشتی‌هایش به خارج خیلی عالی و فتوحاتش خیلی بزرگ بود، و همه اینها برای اغفال مردم بود. نسبت به بیوتن و خارج فتوحات می‌کرد، اما از درون با خود اسلام مبارزه می‌کرد. او حتی تا آخر عمر کعبه‌اش را نسبت به پیامبر اکرم(ص) از دست نداده بود تا چه رسد به سایر اشخاص! تبعیض‌ها که از زمان عثمان شروع شده بود، در زمان معاویه به اوج خودش رسید، و یک اسلام طبقاتی ساخت که دیگر نظیرش در دنیا نباشد! واقعا اگر مبارزه علی(ع) و امام حسین(ع) و امه اطهار(ع) نبود، اینها اسلامی ساخته بودند که هیچ‌کس در جهان با آن برابری نمی‌کرد. اما به‌طور کلی و اجمالا اقدامات عملی معاویه برای اسلام‌زدایی به شرح زیر می‌باشد.

۱- احیای تعصبات قومی و عربی

اولین کار معاویه این بود که تعصب عربیت و قومیت و ملیت عربی را که اسلام می‌راند بود، از نو زنده کرد. به مردم می‌گفت: تا می‌توانید به بچه‌هایتان شعر بیاورید، شعر جاهلی که میراث فرهنگی عرب در جاهلیت است. می‌خواست مردم را به خلق و خوی جاهلیت برگرداند. کار تبعیض‌ها بدانت رسید که نوشت تا عربی وجود دارد غیر عرب، هر که هست، کار جماعت را ندارد، و تا عربی هست غیر عرب حق ندارد در صف اول جماعت شرکت کند و سایر تبعیض‌هایی که رواهی داشت. همه عواملی را که در دنیای اسلام بود به نفع خودش و در واقع علیه حقیقت اسلام به‌کار می‌برد.

۲- سوءاستفاده از قتل عثمان

ابتدا که عثمان کشته شد، او در نهایت زیرِکی به عنوان حمایت از خلیفهٔ مظلوم گریه می‌کرد و اشک می‌ریخت. می‌گفت: ایهاالناس! اسلام از دست رفت، خلیفه پیغمبر را در مسند خلافت کشتند. امام علی(ع) در نامه‌ای به او نوشت: اولین مسئول قتل عثمان خود تو هستی و امروز تاریخ این نظر را تأیید می‌کند. معاویه تحریک کرد و کوشش نمود تا عثمان کشته شود تا از مرده او بتواند بهره‌برداری کند و همین کار را هم کرد. این همه مردمی که در صفین جمع شدند در مقابل امام علی(ع)، اکثریت آنها قرایی‌الله یا حضرت می‌جنگیدند زیر لوی قرآن که می‌فرماید: اگر کسی مظلوم کشته شد اولیای او حق دارند خون وی را مطالبه کنند و معاویه به عنوان یک خویشاوند و به عنوان نزدیک‌ترین افراد به عثمان حالا باید خون عثمان را مطالبه می‌کرد!قتل عثمان هم دوروبر علی(ع) را گرفته بودند و معاویه گفت: قتل عثمان را تحویل بده! اما در واقع خود علی را می‌خواهد، ولی به نام قتل عثمان می‌خواهد علی(ع) را تضعیف کند. تاریخ نشان می‌دهد تا روزی که اسلام علی(ع) زنده بود، معاویه همواره صحبت از قتل عثمان می‌کرد. وقتی که آن حضرت شهید می‌شود، دیگر مصلحت سیاسی بنی‌امیه اقتضا نمی‌کند این مسئله دنبال شود.

۳- جعل احادیث

معاویه و حزب سفینایی او قبل و بعد از شهادت امام علی(ع) به حربه جعل حدیث روی آورد و افزون بر فشارهای سیاسی و اجتماعی، سعی کرد با ساختن احادیثی منتسب به پیامبر اکرم(ص) برای حکومت خود مشروعیت دینی و مقبولیت اجتماعی دست و پا کند و رفتارهای فردی و گروهی خود را مشروع و مقبول جلوه دهد. او سمرهٔ ابن جندب، ابوه‌ربره و انس ابن مالک را با دادن اموال کلان برای ترویج احادیث جعلی به‌کار گرفت، و اینها که اسیر و شیفته مال دلبودند و هرگونه که معاویه دلش می‌خواست در همان جهت کارخانه حدیث‌سازی و جعل حدیث ایجاد کردند، و طبق درخواست معاویه آیه شریفه: بعضی از افراد مردم جان‌شان را در راه خدا فدا کردند(بقره۲۰۷) که در شأن حضرت علی(ع) نازل شده است را جعل کرده و گفتند که در شأن عبدالله ابن ملجم نازل شده است! لذا دهه‌های پس از شهادت امام علی(ع) دوره اقتدار امویان و تاریک‌ترین دوره صدر اسلام به حساب می‌آید و تیری در کمان آنها^(۱)

سلوک عارفانهعابدان جاهل، آلت دست منافقان بی‌دینخطر جهالت این‌گونه افراد(عابدان جاهل) و جمعیت‌ها بیشتر از این ناحیه است که از ابزار و آلت دست زیر‌کها قرار می‌گیرند و سد راه مصالح عالیه اسلامی واقع می‌شوند. همیشه منافقان بی‌دین، مقدسان احق را علیه مصالح اساسی برمی‌انگیزند، اینها شمشیری می‌گردند در دست آنها و تیری در کمان آنها^(۱)

صفحه معارف روز‌های: شنبه، یک‌شنبهسه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شودتلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱Maarefkayhan یا Kayhan.ir

۱- جاذبه و دافعه علی(ع) شهید مرتضی مطهری، ص ۱۲۷